تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۲۳ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۰۵ |

امکان‌سنجی، روش و شرایط استنباط گزاره‌های توصیفی و هنجاری علوم انسانی از احکام تشریعی اسلام

مهدی خطیبی*

استادیار گروه اقتصاد مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ایران.

m.khatibi@iki.ac.ir

چکیده

یکی از مسائل بنیادی شکل‌گیری علوم انسانی اسلامی حل مسائل روش‌شناختی آن اســت. تحقیق حاضر با هدف کمک به حرکت علمی شــکل‌گرفته در راستای اسلامی‌سازی علوم انسانی به‌دنبال امکان‌سنجی، روش و شرایط استنباط گزاره‌های توصیفی و هنجاری علوم انســانی از احکام تشریعی اســت. نتایج تحقیق که به روش تحلیلی ـ توصیفی انجام شده است، نشان می‌دهد امکان استنباط گزاره‌های توصیفی و هنجاری علوم انسانی از احکام تشریعی وجود دارد و اگر پژوهشگر به اجتهاد مصطلح حوزوی مسلط بوده و در یکی از رشته‌های علوم انسانی تخصص داشته باشد، می‌تواند با حفظ اصول و مبانی روش فقه جواهری گزاره‌های توصیفی و هنجاری علوم انســانی را از احکام تشریعی اســتنباط کند. اساس این استنباط مبتنی بر حدس است و با تجمیع قرائن و ترک مظنون درجهٔ اطمینان به مفاد حدس ارتقا می‌یابد. در پایان نیز چند نمونه از گزاره‌های استنباط‌شده با روش مزبور ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: علوم انسانی اسلامی، احکام تشریعی، استنباط، گزاره‌های توصیفی، گزاره‌های هنجاری، اسلامی‌سازی علوم.

* https://orcid.org/0000-0003-4122-875x

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1401.8.4.1.5]

بیان مسئله

علوم انسانی در تعریفی ساده عبارت است از علومی که با فکر و اندیشهٔ انسان سر و کار دارد؛ یعنی متعلق این علوم با فکر و اندیشـــهٔ انسان مرتبط است (مصباح یزدی، ۱۳۸۷، ص ۷۷). در تعریف دیگری گفته شـــده علوم انسانی رفتاری و اجتماعی تحقق‌یافته مجموعه گزاره‌های نظام‌مندی است که با بهره‌گیری از روش‌های تجربی و غیرتجربی و مبانی فلسفی و مکتبی به تبیین یا تفسیر رفتارهای فردی و اجتماعی انسان تحقق‌یافته پرداخته است (خسروپناه، ۱۳۹۴، ص ۱۹).

یکی از مباحث دامنه‌دار در بررســـی درجه دوم علوم انســـانی پذیرفتن یـــا نپذیرفتن گزاره‌های هنجاری به‌منزلهٔ بخشـــی از علم است. برخی اندیشمندان غربی علوم انسانی را مانند علوم طبیعی تهی از هرگونه گزارهٔ هنجاری می‌دانند و معتقدند علوم انســـانی مانند علوم طبیعی تنها به توصیف واقعیت‌های موجود دربارهٔ انســـان می‌پردازد و هرگونه قضاوت درمـــورد خوبی یا بدی در این باره خارج از ماهیت دانشی آن است. این موضوع هم در میان فلاسفه مطرح بوده و هم در فلسفهٔ اخلاق دربارهٔ آن بحث شده است. لایه‌هایی از آن نیز در کلام اسلامی و اصول فقه مشاهده می‌شود؛ آنجا که عدلیه برخلاف اشاعره از حسن و قبح عقلی سخن می‌گویند و اصولی‌ها نیز به‌تبع آن از مصالح و مفاسد به‌منزلهٔ حیثیت تعلیلی احکام تشریعی بحث می‌کنند.

حق مطلب آن اســـت که علوم انســـانی هم جنبهٔ توصیفی دارند و هم جنبهٔ توصیه‌ای و این‌گونه نیســـت که صرف توصیف باشند؛ حتی آن‌ها که در علوم انسانی رویکرد اثبات‌گرایی دارند، در کنار توصیف و نظریه‌پردازی، توصیه‌هایی نیز ارائه می‌کنند؛ برای مثال پوپر با گرایش نئوپوزیتویستی در کتاب جامعهٔ باز و دشمنان آن هم به توصیف انسان در جامعهٔ باز و نقد جامعهٔ بسته پرداخته است و هم در مقابل جامعهٔ بسته توصیه‌هایی دارد. همچنین نظریه‌های انقلاب در علوم سیاسی به توصیف انقلاب‌های جهان مانند انقلاب ایران، چین، فرانســـه و روســـیه می‌پردازند و راهکارهای پیدایش انقلاب را توصیه می‌کنند (همان، ص ۱۶).

بعد از پیروزی انقلاب اســـلامی و مطرح‌شـــدن لزوم اسلامی‌سازی علوم انســـانی یا به تعبیر دقیق‌تر لزوم تدوین علوم انسانی اسلامی بحث‌ها دربارهٔ امکان، روش و شرایط آن محل گفت‌وگوی اندیشمندان حوزه و دانشگاه قرار گرفت. بسیاری از اندیشمندان مسلمان دربارهٔ مفهوم‌شناسی علم دینی اقدام به تألیف کتاب کردند و به نقض و ابرام دیدگاه مخالفان پرداختند. در تحقیق حاضر یک گام جلوتر رفته و به‌دنبال بررسی امکان، روش و شرایط استنباط گزاره‌های توصیفی و هنجاری علوم انسانی از احکام تشریعی هستیم.

روشـــن است که منظور از احکام تشریعی همان است که دانش فقه عهده‌دار استنباط آن از ادلهٔ

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1401.8.4.1.5]

اربعه است. رویکرد اصلی فقه جهت‌دهی به رفتار فردی و اجتماعی مکلفان در چارچوب شریعت به شـــمار می‌آید؛ بنابراین هم موضوع علوم انســـانی رفتار انسان است و هم موضوع دانش فقه فعل مکلـــف. حال باید دید با وجود این قدر مشـــترک آیا می‌توان گزاره‌هـــای توصیفی و هنجاری علوم انسانی را از احکام تشریعی اسلام استنباط کرد.

پیشینهٔ پژوهش

تحقیقی که به‌صورت مســـتقیم امکان و شرایط اســـتنباط گزاره‌های توصیفی علوم انسانی از احکام تشـــریعی را بررسی کرده باشـــد، یافت نشـــد، اما تحقیقات مرتبطی در این زمینه وجود دارد که به اختصار به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. شهید صدر (۱۴۲۴) در کتاب اقتصادنا روشـــی را برای کشف نظریات اقتصادی از احکام شرعی بنا نهاده اســـت. از نگاه او احکام شرعی به‌ظاهر متشتت و پراکنده، روبنای شریعت هستند و بر نظریاتی اســـتوارند که حکم زیربنا را دارند؛ بنابراین محققان و پژوهشگران باید به‌دنبال نظریه‌های زیربنایی باشند.

۲. خالد غفوری (۱۴۲۱) فقه النظریه از منظر شهید صدر را تبیین کرده و مسئلهٔ حجیت روش شهید صدر را اثبات کرده است. تحقیق مزبور می‌تواند در اثبات حجیت استنباط گزاره‌های توصیفی و هنجاری علوم انسانی از احکام تشریعی استفاده شود.

۳. محســـن جوادی (۱۳۷۵) در کتاب مسئلهٔ باید و هست دربارهٔ رابطهٔ ارزش و واقع به‌صورت مستوفا بحث کرده اســـت که می‌تواند برای اثبات امکان اســـتنباط گزاره‌های توصیفی علوم انسانی از احکام شرعی مفید باشد.

۴. عبدالحسین خســـروپناه (۱۳۹۴) در مقالهٔ «علوم انسانی، چیستی، ساحت‌ها و فرایندهای تحول در آن» برخی از مبانی و پیش‌فرض‌های تحقیق حاضر را مطرح کرده است.

نزاع توصیفی و هنجاری (باید و هست)

جداکردن مقولات اخلاقی از تحلیل علمی از زمان کانتیون گزارش شد و به‌تدریج به علوم اجتماعی ورود کرد؛ برای مثال اولین باری که مقولهٔ اثباتی و دستوری به‌طور جدی وارد اقتصاد شد، در زمان هیوم و ســـنیور بود. اوج مرحلـــهٔ اول نیز در زمان جان نویل کینز بـــود (دادگر، ۱۳۸۴، ص ۱۹۴). دیوید هیوم در رســـالهٔ ماهیت انســـان این قضیه را مطرح کرد که «باید» را نمی‌توان از «هســـت» استنتاج کرد. او معتقد بود گزاره‌های توصیفی تنها مبتنی بر واقع هستند و هرگز نمی‌توانند هنجارها،

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1401.8.4.1.5]

گفتارهـــای اخلاقی یا دســـتور به انجام کاری را معین کنند. اصطـــلاح «گیوتین هیوم» نیز به همین قضیه اشـــاره دارد (بلاگ، ۱۳۸۰، ص ۱۷۰). برخی صاحب‌نظران تفکیک بین هنجاری و توصیفی را در حد مرزی میان دو شـــاخه از یک علم قبـــول دارند، اما برخی دیگر مباحث هنجاری را اصولاً غیرعلمی تلقی می‌کنند (مک‌لاپ، ۱۳۸۱، ص ۱۵۲).

تحقیق حاضر که به‌دنبال امکان‌ســـنجی، روش و شرایط استنباط گزاره‌های توصیفی و هنجاری علوم انســـانی از احکام تشریعی است، آمیختگی «هســـت» و «باید» را مفروض گرفته و آن را در حوزه‌ای خاص یعنی احکام تشریعی بررسی کرده است.

صورت‌های متصور رابطهٔ احکام تشریعی و گزاره‌های توصیفی و هنجاری

رابطهٔ احکام تشریعی و گزاره‌های توصیفی به سه صورت تصور می‌شوند:

صورت اول: رابطهٔ احکام تشریعی و گزاره‌های مبتنی بر مصالح و مفاسد واقعی

بحث تبعیت احکام از مصالح و مفاسد که در علم اصول مطرح شده، به‌نوعی مرتبط با بحث رابطهٔ احکام تشریعی و گزاره‌های توصیفی اســـت (بدری، ۱۴۲۸ ق، ص ۱۰۱). ادعا می‌شود مصالح و مفاسدی وجود دارند که احکام تشریعی برای استیفای آن‌ها مصالح یا دفع آن مفاسد جعل شده‌اند. آن مصالح و مفاســـد از جنس هست و نیســـت‌ها هستند و بین احکام تشـــریعی و آن‌ها ضرورت بالقیاس وجود دارد.

صورت دوم: رابطهٔ احکام تشـــریعی و گزاره‌های مبتنی بر آثار واقعی تجربه‌شـــدنی و مترتب بر احکام شرعی

برخی احکام تشـــریعی آزمون‌پذیرند و با بررسی تجربی آن‌ها می‌توان به گزاره‌هایی توصیفی دست یافت که مترتب بر آن‌هاســـت؛ برای مثال روایاتی که اســـتحباب یا حرمت خوردن برخی چیزها را بیان کرده‌اند، قابلیت آزمون تجربی دارند و می‌توان براســـاس نتایج حاصل از بررســـی بالینی آن‌ها گزاره‌های توصیفی مربوط به این روایات را به دســـت آورد؛ برای مثال در روایات، خوردن نمک قبل و بعد از غذا توصیه شده است و بر همین اساس فقها آن را مستحب شمرده‌اند. پژوهشگر اسلامی نیز می‌تواند با بررسی تجربی این دستورالعمل طبی گزاره‌های توصیفی مرتبط با آن را به دست آورد. دربارهٔ روزه و تأثیر آن بر سلامتی نیز همین‌گونه است. حدیث «صُومُوا تَصِحُّوا» (مغربی، ۱۳۸۵ ق، ج ۱، ص ۳۴۲ راوندی، ۱۴۰۷ ق، ص ۷۶؛ احســـائی، ۱۴۰۵ ق، ج ۱، ص ۲۶۸) در منابع روایی

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1401.8.4.1.5]

وارد شـــده و گزاره‌ای تجویزی است. پژوهشگر اسلامی می‌تواند با انجام پژوهش بالینی گزاره‌های توصیفی جزئی‌تری دربارهٔ تأثیر روزه بر ســـلامتی به دست آورد (ابراهیمی و جهانی‌مقدم، ۱۳۷۹؛ صدر، سربلوکی و افشار، ۱۳۸۰).

همچنان‌که حرمت شرب خمر نیز به همین‌گونه تجربه‌پذیر است (بهمن‌پوری و نظری، ۱۳۹۷، ص ۶۱). دربارهٔ احکام اطعمه و اشـــربه که به تفصیل در کتب فقهی وارد شده نیز می‌توان به‌کمک تجربـــه و آزمون، گزاره‌های توصیفی فراوانی به دســـت آورد. احکام و آداب زناشـــویی و همچنین مسائل تربیتی خانواده و فرزندان نیز قابلیت آزمون دارند و تجربه‌پذیر هستند. در این میان پژوهشگر اســـلامی می‌تواند با بررســـی میدانی و بالینـــی، گزاره‌های توصیفی مترتب بر این ســـنخ از احکام تشریعی را به دست بیاورد.

صورت سوم: رابطهٔ احکام تشریعی و گزاره‌های علوم انسانی مبتنی بر دلالت التزامی احکام تشریعی

صورت سوم از رابطهٔ احکام تشریعی و گزاره‌های توصیفی مبتنی بر دلالت التزامی احکام تشریعی بر گزاره‌های توصیفی اســـت. چنانچه این ســـنخ از رابطه کشف شود، از ســـنخ استنباط و مربوط به دلالت ادله اســـت. موضوع اصلی تحقیق حاضر امکان‌ســـنجی کشـــف این سنخ از رابطه میان احکام تشـــریعی، گزاره‌های توصیفی و سپس روش‌شناسی آن است. در ادامه امکان استنباط چنین گزاره‌هایی را از احکام تشریعی بیان کرده‌ایم.

امکان‌سنجی استنباط گزاره‌های توصیفی و هنجاری علوم انسانی از احکام تشریعی

مرور اجمالی آموزه‌های اسلام نشان می‌دهد نقش این دین در مدیریت زندگی بشر، ایجابی است نه ســـلبی؛ یعنی دین اسلام برای زندگی بشر برنامه دارد و این‌گونه نیست که برنامه‌ریزی را صد درصد به او واگذار کـــرده و خود تنها به بیان محدودیت‌ها اکتفا کرده باشـــد (صدر، ۱۴۲۱ ق، ص ۳۲). دین اســـلام به برنامه‌ریزی کلی برای ادارهٔ حیات فردی و اجتماعی انسان همت گمارده است و در این میان، شـــارع مقدس در این زمینه چارچوب کلی را طراحی کرده اســـت. نقش انسان در طرح و برنامه‌ریـــزی نیز به‌صورت موجبهٔ جزئیه در محدوده‌های خاصی اســـت؛ یعنی نقش دین در ادارهٔ جامعه، نقشـــی ایجابی اســـت؛ از همین‌رو در عرصهٔ اقتصاد نیز که یکی از جلوه‌های مهم حیات اجتماعی بشـــر اســـت، دین وارد عرصه شده و برنامه‌ریزی کرده اســـت. از جمله شواهد این ادعا، وجود انبوهی از معارف قرآنی و حدیثی در ابواب مختلف زندگی دنیوی بشـــر و روش پیامبر (ص)

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1401.8.4.1.5]

و امیرالمؤمنین (ع) در ساختارسازی و ادارهٔ جامعه براساس آن ساختارهاست. درست بر همین اساس شهید صدر کتاب الاسلام یقود الحیاة را تدوین کرد و کوشید تا فراخور نیازهای فرهنگی و فکری جامعهٔ اسلامی و در سایهٔ حاکمیت اسلام، پاسخی درخور به این نیازها ارائه دهد. ایشان در این مباحث که شامل شش رساله است، اجمالی از مسائل مهم را که امت اسلامی پس از پیروزی انقلاب و به دست گرفتن حکومت با آن روبه‌رو بوده، بیان کرده است.

حاصل آنکه شارع مقدس دین را تنها برای تحصیل سعادت اخروی نفرستاده و تنظیم زندگی مادی بشر را نیز مدنظر داشته است؛ از همین‌رو اگر کسی ادعا کند دین اسلام به مسائل علوم انسانی که بیشتر ناظر به حیات مادی انسانی است، عنایت داشته، سخن بی‌جایی نگفته است، اما مشکل عمده، کشف دیدگاه‌های صاحب شریعت در عرصه‌های گوناگون علوم انسانی است؛ زیرا مسائل علوم انسانی و به‌ویژه نظریه‌ها به صراحت بیان نشده و بیشتر احکام شرعی مرتبط با رفتار فردی و اجتماعی مکلفان بیان شده‌اند. شاید این رویکرد بدان دلیل بوده که مخاطبان، بیشتر نیازمند آگاهی از قوانین و چارچوب‌های مرتبط با رفتار و عمل خود بوده‌اند و تمایل چندانی به دانستن نظریات پشتیبان احکام نداشته‌اند، اما این دلیل نمی‌شود که احکام شرعی نظریهٔ پشتیبان نداشته باشند. به اعتقاد شهید صدر احکام تشریعی که در لسان پیامبر و ائمهٔ اطهار بیان می‌شده‌اند، روبنای شریعت هستند و زیربنای آن‌ها نظریاتی است که معمولاً تصریح نشده‌اند (صدر، ۱۴۲۴، ص ۴۶۳).

به اعتقاد شهید صدر احکام به‌ظاهر متشتت و پراکنده روبنای شریعت هستند و نظریات پشتیبان که همچون تار و پود احکام شرعی را به هم پیوند می‌دهند و باعث می‌شوند وحدت و انسجامی بین آن‌ها برقرار شود، زیربنای شریعت هستند. اگرچه در ظاهر به این نظریات تصریح نشده، این امکان وجود دارد که با طراحی روشی معتبر بتوان نظریات مزبور را کشف کرد. به اعتقاد شهید صدر پیامبر اسلام (ص) این نظریات پشتیبان را در خلال تطبیق بر احکام و حقوق بیان می‌فرمود و وضعیت و قراین حالیه و مقالیه به‌گونه‌ای بود که مخاطبان به‌صورت اجمالی و ارتکازی مفاد آن را درک می‌کردند (صدر، ۱۴۲۱ ق، ص ۴۰)؛ البته دوری ما از شرایط حالی و مقالی زمان صدور، درک نظریه را برای ما مشکل کرده است. وی در ادامه، مثال جالبی بیان می‌کند که برای فهم مطلب، بسیار راهگشاست. او می‌گوید: انسان‌ها از کودکی بدون آنکه ابتدا قواعد زبان را بیاموزند، سخن‌گفتن را می‌آموزند. آن‌ها به‌تفصیل از آن قواعد اطلاعی ندارند، اما در عمل به‌صورت ارتکازی آن را به کار می‌برند؛ بنابراین هر کودکی که سخن‌گفتن را آموخته باشد، به‌صورت اجمالی و ارتکازی به قواعد دستوری زبان نیز آگاهی دارد؛ اگرچه این قواعد به‌صراحت

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1401.8.4.1.5]

به هیچ کودکی آموزش داده نمی‌شـــود (همان)؛ بر همین اساس می‌توان ادعا کرد درصورت تحلیل احکام تشـــریعی و دستیابی به نظریات پشـــتیبان آن‌ها می‌توان گزاره‌های توصیفی و هنجاری علوم انسانی را استنباط کرد.

شرایط لازم برای استنباط گزاره‌های توصیفی و هنجاری علوم انسانی از احکام تشریعی

۱. اجتهاد مصطلح حوزوی (تسلط بر روش فقه جواهری)

تســـلط بر دانش فقه و اصول نخستین شرط موفقیت در استنباط گزاره‌های توصیفی و هنجاری علوم انســـانی از احکام تشریعی است. پژوهشگر باید مجتهد باشـــد؛ البته اجتهاد متجزی در ابوابی که مرتبط با یکی از رشـــته‌های علوم انسانی است، کفایت می‌کند؛ برای مثال پژوهش‌گری که به‌دنبال اســـتنباط گزاره‌هـــای توصیفی و هنجاری دانش اقتصاد از احکام تشـــریعی اســـت، باید در ابواب معاملات بالمعنی الاخص مجتهد باشد.

لزوم احراز مرتبهٔ اجتهاد برای اســـتنباط گزاره‌های توصیفی و هنجاری بدان دلیل اســـت که در هر اســـتنباطی از منابع دینی یک انتساب به شـــارع مقدس وجود دارد؛ بنابراین کسی که حائز مرتبهٔ اجتهاد نیست، حق استنباط از منابع دینی را در هیچ زمینه‌ای ندارد؛ چه استنباط حکم شرعی باشد و چه استنباط گزارهٔ توصیفی و هنجاری علوم انسانی. همچنین درک لطایف و ظرایف قرآنی و روایی نیازمند پیش‌نیازهایی مانند اصول، رجال، ادبیات عرب، معانی و بیان، منطق، تفســـیر و کلام است (خطیبی، ۱۳۹۶، ص ۸). تحصیل این پیش‌نیازها، مقدمات اجتهاد هستند و با دست‌یابی به آن‌ها شـــخص حائز رتبهٔ اجتهاد خواهد بود. دلیل اکتفا به درجهٔ اجتهاد متجزی برای استنباط گزاره‌های علوم انســـانی آن است که هر طالب علمی ممکن است ابتدا در برخی ابواب به ملکهٔ اجتهاد دست یابد و ســـپس آن را به سایر ابواب تسری دهد. براساس مبانی دانش اصول مجتهد متجزی در ابوابی که تبحر کسب کرده، مجاز به استنباط حکم شرعی است (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ ق، ص ۴۶۷)؛ بنابراین صلاحیت لازم برای استنباط گزاره‌های علوم انسانی مربوط را دارد.

۲. تخصص در یکی از رشته‌های علوم انسانی

نـــگاه تخصصی به احکام فقهی با نگاه عامیانه کاملاً متفاوت اســـت. فرد غیرمتخصص تنها ظاهر احکام تشـــریعی را می‌بیند، اما متخصـــص می‌تواند با لایه‌های پنهان حکمی که مرتبط با رشـــته تخصصی‌اش است، ارتباط بگیرد. نگاه یک پزشک یا اقتصاددان به یک حکم شرعی مرتبط با حوزهٔ ســـلامت یا حوزهٔ اقتصاد با نگاه غیر پزشـــک و غیر اقتصاددان متفاوت است؛ بنابراین نباید انتظار

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1401.8.4.1.5]

داشت غیرمتخصص در یکی از رشته‌های علوم انسانی توان استنباط گزاره‌های توصیفی آن رشته را از احکام تشریعی داشته باشد. امام خمینی در بحث حیل ربا و اینکه چرا حیله‌ها نمی‌توانند محلل ربا باشند، به نگاه متخصصان و درک آن‌ها از لایه‌های پنهان حرمت ربا اشاره کرده و می‌گوید:

«با این سطح از مخالفت که در قرآن و سنت با ربا شده به‌گونه‌ای که کمتر با سایر معاصی در چنین سطحی مخالفتی شده و با وجود مفاسد اقتصادی و اجتماعی و سیاسی ربا که اقتصاددانان بدان اذعان کرده‌اند، چگونه ممکن است با حیله‌های شرعی حلال شود؟ این ابهامی است که در ذهن بسیاری از اندیشمندان وجود دارد و اشکالی است که غیرمسلمانان بر این حکم وارد می‌کنند» (خمینی، بی‌تا (ب)، ج ۲، ص ۵۴۰).

در مقابل، نگاه غیرتخصصی به مسئلهٔ ربای قرضی می‌تواند حرمت آن را حتی تا سطح تعبدی بالا ببرد (خدادادی، بی‌تا، الف، ج ۱، ص ۲۵۲). این نگاه به حرمت ربا و تعبدی‌دانستن آن اگر در ربای معاملی پذیرفته شود، درمورد ربای قرضی به‌هیچ‌وجه مقبول متخصصان نیست (خطیبی، ۱۳۹۹، ص ۴۵).

روش استنباط گزاره‌های توصیفی و هنجاری علوم انسانی از احکام تشریعی و مراحل آن

روش استنباط گزاره‌های توصیفی علوم انسانی از احکام تشریعی مبتنی بر حدس است. وقتی پژوهشگر با داشتن تخصص در فقه و یکی از رشته‌های علوم انسانی احکام تشریعی را بررسی می‌کند، ممکن است دربارهٔ یک یا چند حکم تشریعی، گزاره‌ای توصیفی را که مربوط به علوم انسانی است، حدس بزند. حدسیات یکی از مبادی قیاس است و عبارت است از حرکت بلاواسطهٔ عقل از معلوم به مجهول.

«حدس» به معنای فنی آن در حکمت، در مقابل فکر قرار دارد و به این معناست که ذهن بدون تأمل و سیر و حرکت در میان معلومات، بلافاصله و به‌محض طرح مشکل، پاسخ آن را بیابد؛ یعنی اگر در مقام کشف معرف است، بدون درنگ و تأمل به اجزای آن منتقل شود و اگر در مقام کشف دلیل است، بلافاصله به حد وسط استدلال برسد. حدس به این معنا با حدسی که در السنهٔ عوام به کار می‌رود و به معنای گمان و احتمال و پندار بوده، متفاوت است. درمقابل فکر به‌صورت تدریجی شکل می‌گیرد؛ توضیح آنکه هنگام حل یک مشکل علمی، ما پنج مرحله را پشت سر می‌گذاریم: مواجهه با مشکل، شناخت و تشخیص نوع مشکل، حرکت ذهنی از مشکل به سمت معلومات، حرکت در میان معلومات و حرکت از معلومات به سمت مجهول و حل آن. دو مرحلهٔ نخست برای یک کار فکری، از مقدمات آن محسوب می‌شوند و خود، فکر نیستند، اما سه حرکت بعدی

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1401.8.4.1.5]

درمجموع «فکر» نامیده می‌شوند و فرایند «تفکر» همین سه مرحله است. فرق دیگر حدس با فکر این اســت که فکر گاهی در راه دستیابی به مطلوب به خطا می‌رود، اما حدس همواره صائب است و به خطا نمی‌رود (مصباح یزدی، ۱۳۷۳، ص ۶۴).

حدسیات قضایایی هســتند که مبدأ حکم حدس نفسانی محســوب می‌شوند؛ یعنی مجهول به‌طور ناگهانی برای شخص معلوم شده و به حکم و علت حکم توأماً جزم حاصل می‌شود. حدس مانند تجربهٔ محتاج به احســاس قبلی اســت، اما گاهی پس از یک احساس حاصل می‌شود؛ مثل آنکه از مشــاهدهٔ ســقوط جســم معینی به‌طور حدســی به وجود قوهٔ جاذبه پی برده و علم حاصل کرده‌اند. گاهی حدس دنبالهٔ چندین احســاس مکرر به وجود می‌آید؛ مثل آنکه ماه در شــب‌های متوالی با شکل‌های مختلف دیده شده و از مشاهدات مختلف و متکرر به حدس قوی علم حاصل می‌شود که دلیل اختلاف شکل اختلاف وضع ماه به زمین و خورشید است و نور ماه از آفتاب کسب شده است (صدرالمتألهین شیرازی، ۱۳۶۲، ص ۵۸۷).

همان‌گونه که اشاره شد، استنباط گزاره‌های عام علوم انسانی از احکام تشریعی مبتنی بر حدس است و پژوهشگر با تسلط بر فقه و رشته‌ای خاص از علوم انسانی می‌تواند حدس صائبی داشته باشد، اما در عین حال مراحلی برای آن تصور می‌شود و طی این مراحل می‌تواند قوت استنباط حدسی را افزایش دهد. گفتنی است پیمودن این مراحل در همهٔ موارد به‌صورت تفصیلی لازم نیست، بلکه پژوهشگر باید تلاش کند از مفاد حدسی که زده است، با تجمیع قرائن و تراکم ظنون اطمینان کسب کند.

مرحلهٔ نخست طرح مسئله است. مسئله ممکن است با مشاهدات بیرونی در ذهن پژوهشگر شکل بگیرد؛ برای مثال وقتی تعداد فقرا و مقدار اقلام تسعه در زکات را مقایسه می‌کند، این پرسش به ذهنش خطور می‌کند که آیا اقلام تعیین‌شده حکمی ثابت هستند یا به اقتضای شرایط اقتصادی تغییر می‌کنند. همچنین مطالعهٔ هدفمند آموزه‌های اســلام در یک حوزهٔ تخصصی علوم انسانی می‌تواند به‌تدریج مسئله‌ای در ذهن پژوهشگر پدید آورد و با پیگیری آن به استنباط گزارهٔ توصیفی یا هنجاری علوم انسانی نائل شود. روش دیگر مسئله‌سازی مطالعهٔ آثار دانشمندان غربی است؛ برای مثال در غرب دربارهٔ اینکه منابع طبیعی محدودیت دارد و انسان‌ها بالاخره بر سر دستیابی به منابع حیاتی به نزاع خواهند برخاست، بحث‌های زیادی مطرح شده است؛ از این‌رو او با مراجعه به منابع اسلامی از جمله احکام تشریعی می‌کوشد گزارهٔ توصیفی مرتبط با این مسئله را استخراج کند. پس از طرح مسئله که همان پرسش اصلی اســت، پژوهشگر باید پرسش‌های فرعی متعددی را مطرح کند تا حواشی مسئله را بیشتر بشناسد؛ برای نمونه در مسئلهٔ زکات نقدین این پرسش‌ها می‌تواند در روشن‌شدن مسیر تحقیق به کار آید:

الف) مالیات‌های شــرعی اعم از خمس و زکات از سنخ مالیات بر دارایی هستند یا مالیات بر ثروت یا مالیات سرانه؟

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1401.8.4.1.5]

ب) آیا محل مصرف مالیات‌های شرعی می‌تواند تعیین‌کنندهٔ ملاک وجوب آن‌ها باشد؟
ج) آیا لازم است در تمامی اقلام تسعه ملاک واحدی برای وجوب زکات در نظر گرفته شود؟
د) وجوب زکات بر قرض‌گیرندهٔ درهم و دینار درصورت تحقق شـــرایط می‌تواند نشـــان‌دهندهٔ ملاک مجزا برای وجوب زکات درهم و دینار باشد؟
ه) رکود اقتصادی با معطل‌گذاشتن پول (کنز) چه ارتباطی دارد؟

مرحلهٔ بعد موضوع‌شناســـی عمیق است. در این مرحله، تخصص پژوهشگر در رشتهٔ مرتبط با مســـئله عمیقاً اثرگذار است. درک یک پدیدهٔ اجتماعی که زیرمجموعهٔ علوم اجتماعی است، هم با نگاه عامیانه امکان‌پذیر است و هم با نگاه تخصصی، اما گاهی نتایج نگاه تخصصی بسیار متفاوت از نگاه عامیانه اســـت؛ برای مثال در موارد زیر برداشت عرفی و متخصصان به‌صورت قابل‌توجهی با هم متفاوت هســـتند: تورم،[1] پول،[2] مرگ،[3] مالیات،[4] کاهش ارزش پول،[5] بازی‌گوشـــی کودکان،[6] ماهی فلس‌دار[7] و تراجنســـیتی،[8] با برداشت متخصصان از آن‌ها یکسان نیست. گاهی ممکن است

۱. به لحاظ ریاضی ســـطح عمومی قیمت‌ها و دســـتمزد همگن از درجه صفر هستند؛ یعنی اگر هر دو به یک نسبت تغییـــر کنند، علی‌القاعده نباید عرضهٔ نیروی کار اضافه شـــود؛ با این حال طبق دیـــدگاه عمومی کینزی با افزایش هم‌زمان قیمت‌ها و به همان اندازه دســـتمزدها عرضه نیروی کار اضافه می‌شـــود. این مســـئله نشان می‌دهد افراد غیرمتخصص درک درستی از افزایش سطح عمومی قیمت‌ها ندارند (رحمانی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۳۷).
۲. از نظر عرف پول یعنی اســـکناس و مســـکوک در حالی که از نظر متخصصان پول مراتب مختلفی دارد و براساس قدرت نقدشوندگی رتبه‌بندی می‌شود. اسکناس و مسکوک و حساب جاری دارای نقدشوندگی صددرصد هستند و حساب پس‌انداز و حساب سرمایه‌گذاری در مراتب بعدی قرار دارند. از نظر متخصصان پول و بانکداری کالاهای بادوام نیز در مراتب بعدی پول قرار می‌گیرند.
۳. از نظر پزشکان متخصص مرگ و حیات آدمی به مرگ و حیات مغز وابسته است؛ بنابراین کسانی که دچار مرگ مغزی شده‌اند، ولی قلبشان کار می‌کند و حیات نباتی دارند، از نگاه متخصصان مرده‌اند؛ در حالی که از نظر عرف حیات آدمی به تپش قلب است و مادامی که قلب می‌تپد شخص را زنده می‌پندارند (خدادادی، بی‌تا، ص ۱۴۹).
۴. از نـــگاه بخش قابل‌توجهی از مردم مالیات هزینه‌ای اســـت که دولت به دلیل قوه قاهره‌ای که دارد از مردم دریافت می‌کند؛ در حالی که از نظر کارشناســـان و متخصصان مالیات عادلانه هزینه‌ای اســـت که دولت در قبال خدمات عمومی مانند امنیت از مردم دریافت می‌کند.
۵. از نظر عرف کاهش ارزش پول اگر فاحش باشـــد، موجب حساســـیت طلبکار می‌شـــود، اما از نظر متخصصان کمترین تغییر در ارزش پول در روابط اقتصادی بین افراد اثرگذار است و لحاظ می‌شود.
۶. بســـیاری از مردم عدم تمرکز کودکان را ناشی از بازی‌گوشی می‌دانند؛ در حالی که متخصصان عوامل مختلفی را برای آن بر می‌شمرند از جمله بیش‌فعالی که اختلالی در یادگیری شمرده می‌شود و نوعی بیماری است.
۷. ماهی‌هایی وجود دارد که بسیاری از مردم آن‌ها را بدون فلس می‌پندارند، ولی متخصصان شیلات آن‌ها را جزء ماهی‌های فلس‌دار می‌دانند؛ مانند برخی از کوسه‌ماهی‌ها و ماهی اوزون‌برون.
۸. بسیاری گمان می‌کنند افراد ترنس (تراجنسیتی‌ها) جنس سوم هستند؛ درحالی‌که از نگاه متخصصان آن‌ها نیز یا مرد یا زن هستند و تنها تمایلات روحی آن‌هاست که ممکن است شبیه مردان یا زنان باشد و با تغییر ظاهر بدن خود را شبیه زنان یا مردان می‌کنند.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1401.8.4.1.5]

در برخی موارد نگاه عرفی موضوع حکم فقهی باشـد نه نگاه متخصصان، ولی به هر حال این امر کلیـت ندارد و در مـواردی عکس قضیه حاکم اسـت؛[1] البته فقها برای اسـتنباط حکم شـرعی موضوعـات مسـتحدثه گاهی به متخصصـان رجوع می‌کننـد و از آن‌ها می‌خواهنـد موضوع را تبیین کنند، اما این روش برای اسـتنباط گزاره‌های توصیفی و هنجاری از احکام تشـریعی کارایی ندارد. پژوهشـگر باید در رشـتهٔ مربوطه متخصص و صاحب‌نظر باشـد تا بتواند گام‌های مؤثری در اسـتنباط گزاره‌های توصیفی و هنجاری از احکام تشـریعی بردارد. فقیه بـا اکتفا به اظهارنظر متخصصان توفیق چندانی در اسـتنباط گزاره‌های توصیفی علوم انسانی در رشته‌های تخصصی به دست نمی‌آورد.

توجه به مبانی اسـلامی در اسـتنباط گزاره‌های توصیفی و هنجاری علوم انسـانی بسیار مهم است. در بسـیاری از موارد منشـأ اختلاف علوم انسانی ـ اسلامی و علوم انسـانی رایج به مبانی هریک برمی‌گردد. مبانی، بنیادهای فکری و پایه‌ای هسـتند که اصول، قواعد و مسائل هر مکتب و نظامی براسـاس آن‌ها شـکل می‌گیرند. مبانی در اسـتنباط گزاره‌های توصیفی نقش مهمی را ایفا می‌کنند. پژوهشـگر اسـلامی در مقام اسـتنباط گزاره‌های توصیفی از احکام تشـریعی نباید از نقش مبانی اسـلامی غافل باشـد. فارغ از اینکه پژوهشـگر، متخصص چه رشته‌ای است، مبانی فلسفی اسـتنباط گزاره‌های توصیفی که عبارت‌اند از مبانی معرفت‌شناختی، مبانی هستی‌شناختی، مبانی الهیاتی، مبانی انسان‌شـناختی و مبانی ارزش‌شـناختی، نقشی کلیدی در استنباط گزاره‌های توصیفی دارند.

نمونه‌هایی از استنباط گزاره‌های توصیفی و هنجاری علوم انسانی از احکام تشریعی

الف) کنز پول سبب رکود اقتصادی است

حکم شرعی

براسـاس فتوای قاطبهٔ فقها زکات نقدین واجب اسـت. نصاب آن در طلا ۲۰ دینار شـرعی یعنی معادل ۱۵ دینار صیرفی اسـت و مقدار زکات ۱۰ قیراط معادل نصف دینار شـرعی یا سـه هشتم دینار صیرفی اسـت. نصاب بعدی ۲۴ دینار اسـت که دو قیراط به ازای چهار دینار به مقدار زکات اضافه می‌شود.

۱. مثلاً اگر عرف کسی را مرده بپندارد، اما متخصصان معتقد به حیات او باشند، حکم به حیات او می‌شود (خدادادی، بی‌تا، ص، ۱۴۹).

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1401.8.4.1.5]

نصاب نقره «دویســت درهم است» و (زکات) در آن پنج درهم است و بعد از آن هرگاه «چهل درهم» اضافه شود، در آن یک درهم (زکات) است تا هر مبلغی که برسد و در کمتر از دویست درهم چیزی (به‌عنوان زکات) نیست و همچنین است در کمتر از چهل درهم بعد از نصاب اول.

استنباط گزارۀ توصیفی

۱. زکات نقدین از سنخ مالیات بر درآمد یا ثروت نیست، بلکه جریمه‌ای است بر نگهداری پول و برای جلوگیری از رکود جعل شــده است؛ چون حتی اگر کسی درهم و دینار را قرض بگیرد و یک ســال نگه دارد (کنز کند) زکات بر قرض‌گیرنده واجب اســت نه قرض‌دهنده؛ بنابراین می‌توان گفت «کنز پول ســبب رکود اقتصادی» اســت و به همین دلیل شارع مقدس زکات نقدین را واجب کرده است.

۲. این اســتنباط تنقیح مناط را ساده خواهد کرد و می‌توان به‌کمک آن تکلیف زکات اسکناس را روشن کرد و گفت پرداخت زکات اختصاصی به درهم و دینار ندارد و کنز هر پولی که سبب رکود اقتصادی شود، زکات دارد.

۳. حتــی می‌توان گفت بر همین اســاس زکات نقدیــن مانع تحقق دام نقدینگــی در اقتصاد اسلامی است.

۴. از آنجا که امروزه تقاضای پول (نگهداری و کنز پول) بسیار ناچیز است و بیشتر افراد پولشان در بانک در قالب ســپردۀ جاری یا پس‌انداز اســت، موضوع جریم نیز منتفی است و تعمیم زکات نقدین به اسکناس بدون مناط است.

ب) بازار پول بازاری غیرمستقل و فرع بر بازار کالا و خدمات است

حکم شرعی

براساس فتوای فقها ربا حرام است، اما در عین حال فروش نسیه به قیمتی بیش از قیمت نقدی جایز است. بیع دین نیز جایز است. حیله‌های ربا نیز فی‌الجمله تجویز شده است.

استنباط گزارۀ توصیفی

۱. در غرب بازار پولی و بازار مالی دو بازار جدای از هم هســتند و به‌وســیله بهره به هم مرتبط می‌شوند. در اسلام بازار پول یک بازار مستقل نیست، بلکه حاشیۀ بازار کالا و خدمات است؛ به عبارت دیگر دلالت التزامــی «حرمت ربا»، «تجویز حیله‌های ربا» و تجویز «گران‌بودن

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1401.8.4.1.5]

بیع نسیه نسبت به بیع نقدی» (للاجل قسط من الثمن) و «بیع دین» نشان می‌دهد شارع درصدد بوده است بخش پولی اقتصاد را به حاشیه ببرد و پول تنها کنار بخش واقعی اقتصاد و فرع بر آن نقش‌آفرینی کند.

۲. حرمت ربا به‌دلیل تبعات اقتصادی نامطلوب آن است و تنها مسئله‌ای حقوقی نیست تا بتوان با تغییر الفاظ و شکل ظاهری آن را دور زد.

ج) قیمت‌ها تابع عرضه و تقاضا هستند

حکم شرعی

۱. اصل اولی آن است که حاکم اسلامی نمی‌تواند برای کالاهای در معرض فروش قیمت تعیین کند (طوسی، ۱۳۸۷ ق، ج ۲، ص ۱۹۵). در روایت نیز چنین آمده است: به پیامبر گفته شد کاش تعیین قیمت کنید، قیمت‌ها بالا و پایین می‌شود. حضرت فرمود: خدا را ملاقات نخواهم کرد با بدعتی که چیزی راجع به آن به من نفرموده است. بندگان خدا را رها کنید تا برخی از برخی دیگر روزی بخورند (صدوق، ۱۴۱۳ ق، ج ۳، ص ۲۶۸).

۲. ممنوعیت احتکار در شش قلم کالا (گندم، جو، خرما، کشمش، روغن و زیتون) حرام است، اما جمع‌کردن مطلق آنچه مردم به آن نیاز دارند، امری نامطلوب است. در غیر آن شش مورد که ذکر شد، احکام احتکار ثابت نیست و باید شخص محتکر به فروختن اجبار شود و بنا بر احتیاط قیمت برای او تعیین نشود، بلکه حق دارد به هر قیمت که می‌خواهد بفروشد؛ مگر آنکه اجحاف کند؛ پس او را مجبور می‌کنند که قیمت را پایین بیاورد ـ بدون آنکه برایش تعیین قیمت کنند ـ و اگر او تعیین قیمت نکرد، حاکم شرع قیمتی را که مصلحت می‌بیند، معین می‌کند (خمینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۰۱، مسئلهٔ ۲۳).

۳. در تعیین قیمت کالا برای فروش اختیار داشتن فروشنده است؛ مگر آنکه حاکم اسلامی مقرراتی وضع کرده باشد (خمینی، ۱۴۲۲ ق، ج ۲، ص ۶۲، سؤال ۱۷۲).

استنباط گزاره توصیفی

در مورد اینکه قیمت‌گذاری بر عهدهٔ کیست، اقتصاددانان کلاسیک معتقدند بازار باید تعیین‌کنندهٔ قیمت باشد. دست نامرئی که آدام اسمیت از آن سخن می‌گفت، درحقیقت همان بازار است که در آن با شکل‌گیری دو طرف عرضه و تقاضا قیمت‌ها تعیین می‌شود. از احکام شرعی مورد اشاره می‌توان حدس زد در اسلام نیز تعیین قیمت کالا به بازار و عرضه و تقاضا سپرده شده است و در

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1401.8.4.1.5]

مواردی مانند احتکار نیز تعیین قیمت با همان شـرایط و مراتب که اشاره شد، حکمی خلاف اصل است که شارع به جهت ضرورت تجویز کرده است.

د) انـواع مالیـات در اسـلام عبارت‌انـد از: مالیـات بـر درآمـد خالـص، مالیات بر پس‌انـداز، مالیات سـرانه، مالیات بهره‌بـرداری از امکانات طبیعی، مالیـات جریمه‌ای و مالیات صلحی

حکم شرعی

۱. زکات غلات اربعه واجب است.

۲. خمس معدن، گنج، غنیمت، چیزی که با غواصی از دریا بیرون می‌آورند و همچنین خمس ارباح مکاسب بعد از کسر مؤونهٔ فرارسیدن سال خمسی واجب است.

۳. در روز عیـد فطر بر هر مکلفی واجب اسـت زکات فطره خود و خانوادهٔ خود را براسـاس شرایطی که در رساله‌ها آمده است، پرداخت کند.

۴. زکات غلات اربعه که با آب جاری و باران آبیاری می‌شوند، واجب است.

۵. مصرف چیزی که خارج از سـطح نیازهای متعارف باشد، مصداق اسراف بوده و پرداخت خمس آن واجب است.

استنباط گزاره‌های توصیفی

انواع پرداخت‌های واجب مالی از جهت مبنای مالیاتی به‌صورت زیر متصور می‌شود:

۱. مالیات بر درآمد خالص (زکات غلات اربعه که با آب چاه آبیاری شده‌اند).

۲. مالیات بر پس‌انداز (خمس مازاد بر مؤونه ارباح مکاسب)

۳. مالیات سرانه (زکات فطره، جزیه)

۴. مالیات بهره‌برداری از امکانات طبیعی (زکات غلات اربعهٔ آبیاری‌شده با آب جاری و باران، خمس معدن، آنچه با غواصی به دست آمده، گنج، غنیمت، زکات انعام ثلاثه)

۵. مالیات بر مصرف (اگر فرد کالایی را مصرف کند که خارج از نیازهای واقعی او باشـد، باید خمس آن کالا را بپردازد).

۶. مالیات صلحی (خمس مال حلال مخلوط به حرام)

۷. مالیات جریمه‌ای (زکات نقدین، خمس زمینی که ذمی از مسـلمان می‌خرد، کفارات مالی افطار عمدی روزه، حنث نذر و عهد و قسم، کفارهٔ قتل و بقیه کفارات مالی)

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1401.8.4.1.5]

اعتبارسنجی (حجیت) روش استنباط گزاره‌های توصیفی و هنجاری از احکام تشریعی

همان‌گونه که اشاره شد، استنباط گزاره‌های توصیفی و هنجاری علوم انسانی از احکام تشریعی مبتنی بر حدس است. دربارهٔ اعتبار نتایج حاصل از چنین حدسی می‌توان از بحث‌های مربوط به اعتبارسنجی روش کشفی شهید صدر استفاده کرد. چه آنکه نتایج حاصل از این دو روش تقریباً مشابه هم هستند. مرحوم تسخیری معتقد بود روش کشفی، نیازمند حجیت به معنایی که در فقه گفته شده، نیست (تسخیری، ۱۳۸۲، ص ۱۹). از نظر وی، اقتصاد اسلامی به‌دنبال بیان وظیفهٔ افراد در مقام عمل نیست تا بحث از حجیت لازم باشد؛ محقق اقتصاد اسلامی به‌دنبال کشف سیستم و نظام است و کشف سیستم متوقف بر حجیت نیست. همین مقدار که ثابت شود سیستم مکشوف در چارچوب اسلام است، کفایت می‌کند. با توجه به اینکه فتاوای استفاده‌شده در کشف سیستم از طریق اجتهاد صحیح استنباط شده‌اند و انسجام و هماهنگی دارند، ولی امر می‌تواند زیربنا را از آن‌ها کشف کرده، آن را به اسلام نسبت دهد. در مواردی که ولی امر از فتوای خودش برای کشف سیستم استفاده می‌کند، حجیت آن برای خود و مقلدانش محفوظ است و در مواردی که از فتوای سایر فقها استفاده می‌کند، به این دلیل که مصلحت جامعه را در عمل به این سیستم می‌بیند، با استفاده از حکم ولایی که حکمی ابداعی و ایجادی است و کاشفیتی ندارد، دستور مبنا قرارگرفتن سیستم به‌دست‌آمده را برای امور اجرایی صادر می‌کند؛ بنابراین قاعده‌ای که به‌عنوان زیربنا کشف می‌شود، نه برای مجتهد حجت است و نه برای ولی امر، اما ولی امر می‌تواند براساس مصلحت جامعه، آن را به‌منزلهٔ روش مطرح کند؛ ازاین‌رو باید بین حجیت و احکام ولایی فرق گذاشت (یوسفی، ۱۳۷۹، ص ۶۸)؛ بر همین اساس دربارهٔ گزاره‌های توصیفی و هنجاری استنباط‌شده از احکام تشریعی نیز می‌توان گفت نیازمند به اثبات حجیت نیست؛ چون مرتبط با عمل مکلفان نیست.

به نظر می‌رسد ادعای ایشان هم دربارهٔ روش کشفی و هم روش حدسی که برای استنباط گزاره‌های علوم انسانی ارائه شد، قابل التزام نباشد. اگرچه نتایج حاصل از این دو روش ربطی به عمل مکلفان ندارد، در آن، انتساب مطلبی به اسلام و دین وجود دارد و اگر اعتبار و حجیت روش استفاده‌شده در کشف یا استنباط اثبات نشود، نمی‌توان نتایج حاصل را به دین اسلام و شارع مقدس منتسب کرد؛ از این‌رو برخی محققان درصدد اثبات حجیت روش کشفی شهید صدر براساس مبانی مختلف برآمده‌اند. از آنجا که این مبانی را می‌توان بر روش حدسی اشاره‌شده تطبیق داد، در ادامه به آن‌ها اشاره می‌کنیم.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1401.8.4.1.5]

۱. دلالت التزامی احکام بر گزاره‌های علوم انسانی

دلالت لفظی به سه بخش مطابقی، تضمنی و التزامی تقسیم می‌شود و از نظر عرف، هر سه بخش از حجیت برخوردارند. دلالت لفظ بر معنایی خارج از معنای موضوع له، دلالت التزامی نامیده می‌شود (رازی، ۱۳۸۴، ص ۸۲). شرط دلالت التزامی آن است که بین مدلول التزامی و مدلول مطابقی لفظ، لزوم ذهنی برقرار باشد (همان، ص ۸۹). گاهی لزوم ذهنی صریح و آشکار است و گاهی نیز از وضوح کمتری برخوردار بوده و نیاز به تبیین بیشتر و تجمیع قراین عدیده دارد.

استفاده از مدلول التزامی برای استنباط احکام در فقه متعارف نیز به‌وفور مشاهده می‌شود. دلالت جملهٔ شرطیه بر مفهوم، دلالت امر به شیء بر وجوب عقلی و شرعی مقدمهٔ آن و کشف رأی معصوم از اجماع، همگی از این نوع دلالت هستند (صدر، ۱۹۹۶، ج ۳، ص ۶۴؛ مظفر، ۱۳۷۵، ج ۱، صص ۱۱۸ و ۱۰۸). تأویل قرآن نیز براساس یک دیدگاه، به کشف مدلول التزامی آیات الهی تفسیر شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۴۳۸؛ غفوری، ۱۴۲۱ ق، صص ۱۵۵-۱۵۴).

نظریهٔ اقتصاد اسلامی که از مجموعه احکام منسجم به دست می‌آید، درحقیقت مدلول التزامی آن مجموعه است؛ چراکه محقق اقتصاد اسلامی با تأمل در ادلهٔ شرعی، بررسی تحلیلی آن‌ها و با نگاه سیستمی، نظریهٔ اقتصادی را کشف کرده است. این نظریات از سنخ مدلول مطابقی یا تضمنی نیستند، بلکه مدلول التزامی احکام گردآوری‌شده محسوب می‌شوند. مدلول التزامی نیز مانند مطابقی و تضمنی اعتبار دارد؛ البته کشف این دسته از مدلول‌های التزامی نیاز به تدبر و تأمل بیشتری دارد و اثبات آن‌ها نیز محتاج استدلال و تبیین و توضیح وافر است؛ زیرا گذشت زمان و دوری از عصر تشریع سبب خفای بیش از پیش آن‌ها شده و چه‌بسا برای معاصران تشریع، امری روشن و آشکار بوده است (صدر، ۱۴۲۱ ق، ب، ص ۴۱).

در استدلال به مذاق شرع برای اثبات حکم شرعی نیز به همین‌گونه عمل می‌شود؛ یعنی فقیه با بررسی مدلول التزامی دسته‌ای از احکام، به مذاق شرع دست می‌یابد و براساس آن، حکم خاصی را استنباط می‌کند (خویی، ۱۴۱۸ ق، ص ۲۲۶).

۲. ظهور مجموعی احکام در قالب گزاره‌های علوم انسانی

ازجمله طرح‌های پیشنهادی برای اثبات حجیت نظریهٔ به‌دست‌آمده از روش کشفی، طرح ظهور مجموعی است. توضیح آنکه حجیت ظهور در خطاب‌های شرعی، فی‌الجمله مورد پذیرش

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1401.8.4.1.5]

اصولی‌هاســت (آخونــد خراســانی، ۱۴۰۹ ق، ص ۲۸۱). ظهور لفظی نیز دو نوع اســت: ظهور مقطعــی و ظهور مجموعی. ظهور مقطعی، ظاهر عبارت متکلم اســت کــه در یک گفتار متصل بیان شده اســت، اما ظهور مجموعی، ظاهر مستفاد از یک مجموعه گفتار است که حتی شاید در مجال‌های متعددی ابراز شــده باشد. بررسی آموزه‌های اســلام نشان می‌دهد شارع گاهی مقصود خــود را طی چندین مرحله به مخاطبان القا و بدین‌ترتیب آمادگــی لازم برای دریافت حکم نهایی را در آن‌ها ایجاد می‌کرده اســت (شــبیری زنجانــی، ۱۴۱۹ ق، ج ۲۱، ص ۶۸۴۷؛ نجفی، بی‌تا، ص ۴۱). توجــه به مراحل تحریم شــرب خمــر، مراحل تحریم ربا و همچنیــن وجوب تدریجی فروع دین طی نبوت نبی مکرم اســلام گواه این مدعاســت؛ بنابراین ممکن است از مجموعه گفتار شــارع مطالبی را استنباط کرد و به وی نســبت داد که ظاهر جمله یا عبارت خاصی نیست، اما در عین حال استنادشــدنی به اوســت. این نوع از ظهور نیز مانند قســم اول حجت است؛ به عبارت دیگر کلام هر متکلمی مشــتمل بر دلالت تصوری و دلالت تصدیقی استعمالی و دلالت تصدیقی جدی است.

همان‌گونه که معمولاً خطاب‌ها به‌صورت انفرادی دلالت تصدیقی جدی بر مراد متکلم دارند، مجموع خطاب نیز می‌تواند دلالت تصدیقی جدی بر مراد متکلم داشته باشد و حتی شاید بتوان آن را ـ در عرض دلالت مطابقی، تضمنی و التزامی ـ دلالت چهارمی در کلام متکلم دانست (غفوری، ۱۴۲۱ ق، ص ۱۵۴). مؤید این سخن، اعتقاد فقها و مفسران دربارهٔ کتاب و سنت است که آن‌ها را مجموعه‌ای متحد می‌دانند که بعضی، برخی دیگر را تفســیر می‌کنند (طباطبائی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱، ص ۸؛ نجفی، بی‌تا، ص ۶۷؛ قمی، ۱۴۱۳ ق، ج ۲، ص ۵۰).

۳. حجیت گزاره‌های علوم انسانی بر مبنای انسداد باب علم

برخی معتقدند تنها راه تصحیح روش کشــفی، تمســک به مقدمات دلیل انســداد دربارهٔ نظریات اقتصاد اســلامی است (یوسفی، ۱۳۸۴). به تصریح شهید صدر کشف نظریات اساسی با استفاده از نصوص و منابع اســتنباط به روش متعارف اجتهاد مشــکل بوده و با بن‌بســت مواجه می‌شــود (صدر، ۱۴۲۴ ق، ص ۴۶۱). از ســوی دیگر در عصر حاضر دســتیابی به نظریات اساسی اسلام در عرصه‌های مختلف حیات بشــری به ضرورت تبدیل شده اســت؛ چراکه حکومت اسلامی در سیاســت‌گذاری‌های کلان و در پیش گرفتن روش‌های اجرایی که به اهداف عالی اسلام نزدیک‌تر باشد، نیازمند آگاهی از نظریات اقتصاد اسلامی است؛ بنابراین ولی‌فقیه با به‌کارگیری مطلق ظنون و ازجمله استفاده از فتوای سایر فقها این نظریات را کشف می‌کند.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1401.8.4.1.5]

۴. اعتبار گزاره‌های علوم انسانی بر مبنای تراکم ظنون

گاهی ممکن است با تراکم ظنون ضعیف و تجمیع قرائن (که هر یک به تنهایی برای اثبات مدعا کافی نیستند، اما از مجموع آن‌ها علم یا اطمینان یا لااقل ظن قوی شـــکل می‌گیرد) معرفت شـــکل‌گرفته از یک گزارهٔ توصیفی استنباط‌شده از احکام تشریعی ارتقا یافته و به حد علم یا اطمینان یا ظن قوی برسد. چنین معرفتی می‌تواند حجت باشد. نگارنده قبلاً در مقاله‌ای تراکم ظنون را به بحث گذاشته است.

آسیب‌شناسی استنباط گزاره‌های علوم انسانی از احکام تشریعی

برخی از آســـیب‌ها و خطراتی که متوجه استنباط گزاره‌های علوم انسانی از احکام تشریعی هستند، عبارت‌اند از:

الف) توجیه واقعیت بیرونی

گاهی پژوهشـــگر درصدد توجیه واقعیت موجود بیرونی است و به این منظور سعی می‌کند نصوص روایـــی و قـــرآن را توجیه کند؛ برای مثال به‌منظـــور توجیه بهرهٔ بانکی که معمـــولاً نرخ پایینی دارد، اســـتدلال می‌کند قرآن ربایی را حرام کرده است که فاحش باشـــد، اما اگر نرخ آن کم باشد، حرام نیست؛ درحالی‌که اگر آیات دیگر مثل «فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» (بقره: ۲۷۹) را می‌خواند، می‌فهمید ربا مطلقاً حرام اســـت و آیهٔ مشتمل بر عبارت اضعافا مضاعفه درصدد بیان قید احترازی نیست، بلکه واقعیت و حقیقت ربا را نشان می‌دهد.

ب) گنجاندن نص در چارچوبی خاص

برای مثال ممکن اســـت پژوهشـــگر مالکیت خصوصی را بدون قید و شـــرط معتبر بداند؛ در این صورت روایتی را که می‌گوید اگر مالک تا سه سال بدون دلیل زمین را معطل گذاشت، از وی سلب مالکیت می‌شـــود و زمین به دیگری واگذار می‌شود، کنار می‌گذارد؛ چون در چارچوب خاصی که او از پیش ساخته نمی‌گنجد.

ج) جداسازی دلیل شرعی از شرایط زمان صدور

مثلاً دلیلی که می‌گوید من احیی ارضا میتة فهی له مربوط به زمانی است که احیاء اراضی با دست انجام می‌شد، نه الان که با ماشین‌آلات کشاورزی می‌توان در طول یک روز صدها هکتار از اراضی موات را احیا کرد.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1401.8.4.1.5]

د) پیش‌داوری در برابر نص

مثلاً کسی که معتقد باشد تمامی اوامر و نواهی شرع دائمی است، گمان می‌کند روایتی که از فروش مازاد آب و روییدنی نهی کرده حکمی دائمی است؛ درحالی‌که این پیش‌داوری در برابر نص است.

ه) خطر قیاس و استحسان

از جمله خطرات پیش روی پژوهشـــگر در استنباط گزاره‌های توصیفی از احکام تشریعی افتادن در دامن قیاس و استحســـان و بقیهٔ ظنون نامعتبر است؛ از این‌رو پیشنهاد آن است به مبانی تراکم ظنون توجه شود تا با استفاده از آن نسبت به نتیجه استنباط اطمینان کافی کسب شود.

نتیجه‌گیری

در تحقیق حاضر اثبات شـــد شـــکل‌گیری علوم انسانی ـ اســـلامی متوقف بر آن است تا محققانی تربیت شـــوند که هم در دانش فقه درجهٔ اجتهاد را کســـب کرده و هم در دانش اقتصاد مراتب عالی دانشـــگاهی را گذرانده باشند. چنین محققانی می‌توانند با بررســـی احکام شرعی مربوط به حوزهٔ اقتصاد و کشـــف ریشه‌های اقتصادی آن‌ها، گزاره‌های توصیفی و هنجاری همگن با علوم انسانی را استنباط کنند و زبان احکام شرعی را به زبان علوم انسانی ـ اسلامی تبدیل کنند. در ضمن مثال‌های که در متن مقاله خواندیم، اثبات شـــد که مدلـــول التزامی برخی از احکام شـــرعی دقیقاً می‌تواند در قالب گزاره‌های اقتصاد اســـلامی ارائه شـــود. با به‌کارگیری ایـــن روش می‌توان امیدوار بود علوم انسانی ـ اسلامی به‌تدریج شکل بگیرد و تکامل یابد.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1401.8.4.1.5]

کتابنامه

۱. **قرآن کریم**.

۲. ابراهیمی، حسین؛ جهانی مقدم، محمدکریم ۱۳۷۹. «بررسی اثر ماه رمضان بر مراجعین صرعی». **خلاصه مقالات همایش تحقیقات علوم پزشکی در اسلام**. سوم تا پنجم آبان. کرمان.

۳. احسائی، محمد بن علی. ۱۴۰۵ ق. **عوالی اللئالی العزیزیة**. جلد ۱. قم: دار سیدالشهدا للنشر.

۴. آخوند خراسانی، ملا محمدکاظم. ۱۴۰۹ ق. **کفایة الأصول**. تهران: مؤسسهٔ آل‌البیت.

۵. بدری، تحسین. ۱۴۲۸ ق. **معجم مفردات أصول الفقه المقارن**. چاپ اول. تهران: المشرق للثقافه و النشر.

۶. بلاگ، مارک. ۱۳۸۰. **روش‌شناسی علم اقتصاد**. ترجمهٔ غلامرضا آزاد (ارمکی). چاپ اول. تهران: نشر نی.

۷. بهمن پوری، عبداله؛ نظری، نجمه. ۱۳۹۷. «تحلیل فقهی پزشکی علل حرمت شرب خمر». **فقه پزشکی**. دورهٔ دهم. شمارهٔ ۳۴ و ۳۵. صص ۶۳-۴۷.

۸. جوادی، محسن. ۱۳۷۵. **مسئلهٔ باید و هست (بحثی در رابطه با ارزش و واقع)**. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزهٔ علمیهٔ قم.

۹. خسروپناه، عبدالحسین. ۱۳۹۴. «علوم انسانی، چیستی ساحت‌ها و فرایندهای تحول در آن». **تحقیقات بنیادین علوم انسانی**. سال اول. شمارهٔ ۱. صص ۳۳-۷.

۱۰. خطیبی، مهدی. ۱۳۹۶. «روش‌شناسی استنباط حکم شرعی». **عیار پژوهش در علوم انسانی**. شمارهٔ ۱ (پیاپی ۱۵). صص ۲۲-۵.

۱۱. خطیبی، مهدی. ۱۳۹۹. «واژه‌شناسی تعبد در ابواب معاملات». **معرفت**. سال بیست‌ونهم. شمارهٔ ۲۷۲. صص ۴۸-۳۵.

۱۲. خمینی، روح‌الله. ۱۴۲۲ ق. **استفتائات**. جلد ۲. چاپ پنجم. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعهٔ مدرسین حوزهٔ علمیهٔ قم.

۱۳. ــــــــــــ . بی‌تا، الف. **تحریر الوسیلة**. چاپ اول. قم: مؤسسهٔ مطبوعات دارالعلم.

۱۴. ــــــــــــ . بی‌تا، ب. **کتاب البیع**. چاپ اول. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

۱۵. خویی، ابوالقاسم. ۱۴۱۸ ق. **التنقیح فی شرح العروة الوثقی (الاجتهاد و التقلید)**. چاپ اول. قم: بی‌نا.

۱۶. دادگر، یدالله. ۱۳۸۴. **درآمدی بر روش‌شناسی علم اقتصاد**. چاپ اول. تهران نشر نی.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1401.8.4.1.5]

۱۷. رازی، قطب‌الدین. ۱۳۸۴. **تحریر القواعد المنطقیة فی شرح الرسالة الشمسیة**. چاپ دوم. قم: انتشارات بیدار.
۱۸. راوندی، قطب‌الدین. ۱۴۰۷ ق. **الدعوات**. قم: انتشارات مدرسهٔ امام مهدی (عج).
۱۹. رحمانی، تیمور. ۱۳۹۱. **اقتصاد کلان**. جلد ۲. چاپ نوزدهم. تهران: انتشارات برادران.
۲۰. شبیری زنجانی، سید موسی. ۱۴۱۹ ق. **کتاب نکاح**. چاپ اول. قم: مؤسسهٔ پژوهشی رأی‌پرداز.
۲۱. صدر، سید محمدباقر. ۱۴۲۱ ق، الف. **الاسلام یقود الحیاة** (موسوعة الشهید الصدر ج ۵). چاپ اول. قم: مرکز الأبحاث والدراسات التخصصیة للشهید الصدر.
۲۲. ــــــــــــ . ۱۴۲۱ ق، ب. **المدرسة القرآنیة** (موسوعة الشهید الصدر ج ۱۹). چاپ اول. قم: مرکز الأبحاث والدراسات التخصصیهٔ للشهید الصدر.
۲۳. ــــــــــــ . ۱۴۲۴ ق. **اقتصادنا** (موسوعة الشهید الصدر ج ۳). چاپ اول. قم: مرکز الأبحاث والدراسات التخصصیهٔ للشهید الصدر.
۲۴. ــــــــــــ . ۱۹۹۶. **بحوث فی علم الأصول**. تقریر السید محمود الهاشمی. جلد ۳. چاپ سوم. قم: مؤسسهٔ دائرة معارف الفقه الاسلامی.
۲۵. صدر، فخرالدین؛ افشار، محمد؛ سربلوکی، شکوه. ۱۳۸۰. «تأثیر روزه‌داری بر قند، لیپید، وزن و فشارخون بیماران دیابتی تیپ ۲». **غدد درون‌ریز و متابولیسم ایران**. دورهٔ سوم. صص ۱۸-۱۸.
۲۶. صدرالمتألهین شیرازی، محمد. ۱۳۶۲. **شرح اللمعات المشرقیة فی الفنون المنطقیة (منطق نوین مشتمل بر اللمعات المشرقیة فی الفنون المنطقیة)**. تهران: آگاه.
۲۷. صدوق، محمد بن علی. ۱۴۱۳ ق. **من لا یحضره الفقیه**. جلد ۳. چاپ دوم. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعهٔ مدرسین حوزهٔ علمیهٔ قم.
۲۸. طباطبائی، سید محمدحسین. ۱۴۱۷ ق. **المیزان فی تفسیر القرآن**. جلد ۱. چاپ پنجم. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعهٔ مدرسین حوزهٔ علمیهٔ قم.
۲۹. طوسی، محمد بن حسن. ۱۳۸۷ ق. **المبسوط فی فقه الإمامیه**. جلد ۲. چاپ سوم. تهران: المکتبة المرتضویة لإحیاء الآثار الجعفریة.
۳۰. غفوری، خالد. ۱۴۲۱ ق. «فقه النظریة لدی الشهید الصدر». **فقه أهل البیت**. دورهٔ بیستم. صص ۲۰۴-۱۲۳.
۳۱. خدادادی، غلامحسین. بی‌تا. **احکام پزشکان و بیماران**. مطابق با فتوای مرجع عالی‌قدر فاضل لنکرانی. نرم‌افزار جامع فقه اهل بیت ۲.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1401.8.4.1.5]

۳۲. فاضل لنکرانی، محمد. بی‌تا. **جامع المسائل**. چاپ یازدهم، قم: انتشارات امیر قلم.
۳۳. تسخیری. محمدعلی . ۱۳۸۲. «شیوهٔ شهید صدر در شناخت مکتب اقتصادی اسلام و پاسخ به منتقدان». **اقتصاد اسلامی**. دورهٔ سوم. شمارهٔ ۱۰. صص ۲۲-۹.
۳۴. مصباح یزدی، محمدتقی. ۱۳۸۷. «رابطهٔ ایدئولوژی و فرهنگ اسلامی با علوم انسانی». **مجموعه مقالات وحدت حوزه و دانشگاه و بومی و اسلامی‌کردن علوم انسانی**. چاپ اول. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۳۵. ــــــــــــ . ۱۳۷۳. **ترجمه و شرح برهان شفاء**. تهران: امیرکبیر.
۳۶. مظفر، محمدرضا. ۱۳۷۵. **أصول الفقه**. جلد ۱. چاپ پنجم. قم: انتشارات اسماعیلیان.
۳۷. مغربی، ابوحنیفه، نعمان بن محمد تمیمی. ۱۳۸۵ ق. **دعائم الاسلام**. جلد ۱. چاپ دوم. قم: مؤسسهٔ آل البیت (علیهم السلام).
۳۸. مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۷۴. **تفسیر نمونه**. جلد ۲. چاپ اول. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۹. مک‌لاپ، فریتز. ۱۳۸۱. «اقتصاد اثباتی و دستوری». **نامهٔ مفید**. ترجمهٔ یدالله دادگر و محمدنقی نظرپور. شمارهٔ ۳۱. صص ۱۸۴-۱۵۱.
۴۰. قمی، ابوالقاسم بن محمدحسن. ۱۴۱۳ ق. **جامع الشتات فی أجوبة السؤالات**. چاپ اول. تهران: مؤسسهٔ کیهان.
۴۱. نجفی، محمدحسن. بی‌تا. **جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام**. جلد ۳ چاپ هفتم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴۲. نجفی، عباس بن علی. بی‌تا. **المعاملات المصرفیه**. نرم‌افزار جامع فقه اهل‌البیت ۲. بی‌جا: مؤسسهٔ کاشف‌الغطا.
۴۳. یوسفی، احمدعلی. ۱۳۷۹. **ماهیت و ساختار اقتصاد اسلامی** (مصاحبه). چاپ اول. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشهٔ اسلامی.
۴۴. ــــــــــــ . ۱۳۸۴. «تفسیر نظریهٔ شهید صدر در باب کشف مذهب اقتصادی مطابق با مبانی فقه شیعه». **فقه و حقوق**. دورهٔ دوم. شمارهٔ ۵. صص ۱۰۶-۸۷.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1401.8.4.1.5]